



خیلواکی

استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

جمعه ۱۵ اپریل ۲۰۲۲

گزارشی از سایت خبری "انصاف"

## پوتین همین حالا هم جنگ را باخته است، زمان لازم است تا این را بفهمد

ترجمه از: انصاف نیوز – نویسنده: یواول نوح هراری نویسنده کتاب تاریخ مختصر انسانیت:

با گذشت کمتر از یک هفته از جنگ، به نظر می رسد هر روز بیشتر از قبل روشن می شود که ولادیمیر پوتین به سمت یک شکست تاریخی پیش می رود. او ممکن است در همه نبردها پیروز شود اما در جنگ شکست می خورد. رویای پوتین برای بازسازی امپراتوری روسیه همیشه بر این دروغ استوار بوده است که اوکراین یک ملت واقعی نیست، اوکراینی‌ها مردمی واقعی نیستند و ساکنان کیف، خارکف و لویو مشتاق حکومت مسکو هستند. این یک دروغ کامل است – اوکراین ملتی با بیش از هزار سال تاریخ است، و کیف در زمانی که مسکو حتی یک روستا هم نبود، یک کلان شهر بزرگ بود. اما دیکتاتور روس آنقدر دروغ خود را تکرار کرده که ظاهراً خودش هم آن را باور کرده است.

پوتین هنگام برنامه ریزی برای حمله به اوکراین، می توانست روی بسیاری از حقایق شناخته شده حساب کند. او می دانست که روسیه از نظر نظامی قوی تر از اوکراین است. او می دانست که ناتو برای کمک به اوکراین نیرو اعزام نخواهد کرد. او می دانست که وابستگی اروپا به نفت و گاز روسیه باعث می شود کشورهایمانند آلمان در مورد اعمال تحریم های شدید تردید کنند. بر اساس این حقایق روشن، برنامه او این بود که به شدت و سریع به اوکراین ضربه بزند، دولت آن را از بدن جدا کند، یک رژیم دست نشانده در کیف ایجاد کند، و تحریم های غرب را ناکام بگذارد.

اما یک واقعیت ناشناخته بزرگ در مورد این طرح وجود داشت. همانطور که امریکایی ها در عراق و شوروی ها در افغانستان یاد گرفتند، فتح یک کشور بسیار آسان تر از حفظ آن است. پوتین می دانست که قدرت تسخیر اوکراین را دارد. اما آیا مردم اوکراین هم رژیم دست نشانده مسکو را می

پذیرند؟

پوتین قمار کرد تا ببیند می تواند به نتیجه دلخواهش برسد یا نه. به هر حال، همانطور که او بارها به هر کسی که مایل به شنیدن است توضیح داده معتقد است که اوکراین یک ملت واقعی نیست، و اوکراینی‌ها یک ملت واقعی نیستند. در سال ۲۰۱۴، مردم کریمیه به سختی در برابر مهاجمان روسی مقاومت کردند. چرا سال ۲۰۲۲ باید متفاوت باشد؟

هر روز که می گذرد، آشکارتر می شود که قمار پوتین باخته است. مردم اوکراین با تمام وجود مقاومت می کنند، تحسین تمام جهان را به خود جلب می کنند – و در جنگ پیروز می شوند. روزهای سیاه زیادی در راه است. روس ها هنوز هم ممکن است کل اوکراین را فتح کنند. اما برای پیروزی در جنگ، روس ها باید اوکراین را نگه دارند و تنها در صورتی می توانند این کار را انجام دهند که مردم اوکراین به آنها اجازه دهند. بعید به نظر می رسد که این اتفاق بیفتد.

هر تانک روسی که منهدم می شود و هر سرباز روسی که کشته می شود، شجاعت اوکراینی ها برای مقاومت را افزایش می دهد. و هر کشته اوکراینی نفرت اوکراینی ها را عمیق تر می کند. نفرت زشت ترین احساسات است. اما برای ملت های تحت ستم، نفرت گنجی پنهان است. نفرت احساسی است که در اعماق قلب دفن شده است و می تواند مقاومت را برای نسل ها حفظ کند. پوتین برای برقراری مجدد امپراتوری روسیه به پیروزی نسبتاً بدون خونریزی نیاز دارد که منجر به صلح نسبتاً بی نفرت شود. اما با ریختن بیشتر و بیشتر خون اوکراینی ها اطمینان حاصل می کند که رویای او هرگز محقق نخواهد شد. گرباچف نیست که نامش به عنوان نابود گر روسیه در گواهی مرگ این کشور نوشته می شود، بلکه این نام پوتین خواهد بود. گورباچف باعث شد روس ها و اوکراینی ها احساس خواهر و برادری کنند. پوتین آنها را به دشمن تبدیل کرده است و تضمین کرده است که ملت اوکراین از این پس خود را در مخالفت با روسیه تعریف خواهد کرد.

ملت ها در نهایت بر اساس داستان ها ساخته می شوند. هر روز که می گذرد داستان های شکل دهنده به اوکراین بیشتر می شود، اوکراینی ها نه تنها در روزهای تاریک پیش رو، بلکه در دهه ها و نسل های آینده هم این داستان ها را تعریف خواهند کرد. رئیس جمهوری که از فرار از پایتخت امتناع کرد و به ایالات متحده گفت که به مهمات نیاز دارد، نه به راهی برای خروج از کشور. سربازان جزیره مار که به یک کشتی جنگی روسی گفته اند “لعنت به خودت”. غیرنظامیانی که سعی کردند تانک های روسی را با نشستن در مسیرشان متوقف کنند. این چیزی است که ملت اوکراین از آن ساخته شده اند. در دراز مدت، این داستان ها بیشتر از تانک ها به حساب می آیند.

دیکتاتور روس باید این را به خوبی بداند. او در کودکی با رژیم غذایی حاوی داستان هایی درباره شجاعت روس ها در محاصره لنینگراد بزرگ شد و اکنون خواهان خلق داستان هایی مانند آن است، اما خود را در نقش هیتلر قرار می دهد.

داستان های شجاعت اوکراینی نه تنها به اوکراینی ها، بلکه به کل جهان عزم می دهد. آنها به دولت های کشورهای اروپایی، به دولت امریکا و حتی به اتباع مظلوم روسیه شجاعت می دهند. اگر اوکراینی ها جرأت داشته باشند تانک را با دستان خالی متوقف کنند، دولت آلمان می تواند جرأت کند راکت های ضد تانک به آنها بدهد، دولت امریکا می تواند جرأت کند روسیه را با سوئیفت قطع کند، و شهروندان روسیه می توانند جرأت کنند مخالفت خود را با این جنگ بی معنا نشان دهند. متأسفانه این جنگ احتمالاً طولانی خواهد بود. اما مهم ترین موضوع قبلاً مورد توافق قرار گرفته است. چند روز گذشته به تمام جهان ثابت کرد که اوکراین یک ملت واقعی است، که اوکراینی ها مردمی واقعی هستند و قطعاً نمی خواهند تحت یک امپراتوری جدید روسیه زندگی کنند. سوال اصلی که باز مانده این است که چقدر طول می کشد تا این پیام به دیوارهای ضخیم کرملین نفوذ کند.